

مسئله دستمزد و خطر جماعت‌گرایی استادان دانشگاه



حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

مسئله عقب‌ماندگی دستمزد نسبت به هزینه‌های زندگی یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوق‌بگیران در ایران است. هرچند سالانه دستمزد‌ها درصدی افزایش پیدا می‌کند، اما این افزایش نسبت به تورم جنیه اسمی دارد و واقعی نیست. به‌عنوان مثال، زمانی که تورم ۵۰ درصد است، افزایش دستمزد حتی ۴۰ درصد هم باشد، باز هم دستمزد واقعی نه‌تنها افزایش پیدا نکرده بلکه درصدی هم نسبت به سال قبل کاهش داشته است؛ درواقع کیفیت زندگی دستمزدبگیران دولت نسبت به سال قبل کمتر خواهد شد. اعتراض به دستمزد پایین و اینکه متناسب با هزینه‌های زندگی نیست، گریانگیر اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها هم شده؛ به‌گونه‌ای که رویکرد صنفی‌گرایی در این گروه نیز تقویت شده است. وقتی دستمزد و حقوق ماهانه جوابگوی هزینه زندگی معمولی و معیشتی نیست، نگرش جماعتی و صنفی در هر گروه مزدبگیر، چه دولتی و چه خصوصی، تقویت می‌شود. مدتی است با توجه به معیشت دشوار زندگی دستمزدبگیران دولتی، تمام تلاش انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی بر مسئله دستمزد متمرکز شده است. انجمن‌های اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها نیز در چند وقت اخیر بر افزایش یا به‌اصطلاح ترمیم حقوق اعضای هیئت‌علمی دانشگاه متمرکز بوده و در این راه گاهی بحث تعلیق فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی به‌عنوان راهکاری برای فشار در راستای ترمیم حقوق مطرح شده است. هر گروه شغلی و کاری می‌تواند طبق قانون و مطابق با عقل و رویه دموکراسی، دارای انجمن و صنف و پیگیر امور حرفه‌ای خود باشد. با این حال، مسئله دستمزد پایین و تقویت نگرش جماعت‌گرایی ممکن است سهمی در کاهش اعتبار و منزلت استادان دانشگاه داشته باشد. اعضای هیئت‌علمی دانشگاه دستمزد فعلی را مطابق جایگاه و شأن خود نمی‌دانند، اما ممکن است با رویکرد جماعت‌گرایی اهمیت و منزلت آنها در جامعه کاهش یابد. به این دلیل که گروه‌های دیگر تصور می‌کنند استادان دانشگاه هم جماعتی هستند مانند دیگران و به محض اینکه منافع‌شان ایجاب کند، اقدام به تعلیق فعالیت‌ها به جهت فشار بر مسئولان می‌کنند، اما آیا آنها نگران دستمزد‌های پایین گروه‌های دیگر هم هستند. دستمزدبگیران دولتی دیگر ممکن است تصور کنند تلاش انجمن‌های استادان دانشگاه برای افزایش دستمزد در راستای منافع جماعتی است، نه برای منافع عمومی و نه حتی برای تحقق منافع نزدیک‌ترین گروه‌ها به خودشان یعنی کارمندان دانشگاه و دانشجویان. انجمن‌های اعضای هیئت‌علمی باید برای گروه‌های دیگر استدلال کنند که افزایش دستمزد آنها در راستای توسعه، پیشرفت و رفاه همه جامعه است که با تحقق آن، راه برای احقاق حقوق دیگران نیز باز می‌شود. انجمن اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها اگر نمی‌خواهند در راه افزایش یا ترمیم دستمزد، ذهنیت جماعت‌گرایی که برای منزلت و جایگاه این گروه در جامعه مفید نیست، تقویت شود و دیگر مزدبگیران دولتی هم آنها را دنباله‌رو منافع صنفی خود نه منافع عمومی جامعه تلقی کنند، باید با سایر انجمن‌های شغلی و حرفه‌ای ارتباط منسجم و منظمی داشته باشند. در حال حاضر بین انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی دولتی گفت‌وگوی دائمی وجود ندارد تا آنها را به هم نزدیک کند و به فهم مشترک برسند. تا زمانی که انجمن‌ها و تشکل‌ها، به‌ویژه آنها که از نظر کاری به هم نزدیک‌تر هستند، در ارتباط منظم و دائمی نباشند، درک مشترکی از وضعیت هم نخواهند داشت. زمانی که درگیر فزینوترایی بودم، یکی از کارکنان این مرکز از افزایش حقوق اعضای هیئت‌علمی دفاع می‌کرد. از او پرسیدم شما که از این افزایش منتفع نمی‌شوید، چرا دفاع می‌کنید؟ جواب او خیلی روشن بود؛ اگر دستمزد‌های استادان دانشگاه افزایش یابد، دیگر استاد خوبی برای آموزش وجود ندارد و دانشجویان برای تحصیلات باکیفیت مجبور می‌شوند با هزینه‌های زیاد در خارج از کشور درس بخوانند و بعد هم مشخص نیست برگردند یا خیر. جامعه به آموزش و مهارت خوب نیاز دارد، باید پای آینده کشور در میان است. زمانی افزایش دستمزد هیئت‌علمی دانشگاه به اعتبار و منزلت بیشتر این گروه کمک می‌کند که بیشتر افراد جامعه مانند کارمند فزینوترایی آن را به نفع کل جامعه ببیندارند و انجمن اعضای هیئت‌علمی تا حدی سایر گروه‌ها را قانع کند که این افزایش یا ترمیم در بلندمدت برای جامعه مفید است. به نظر می‌رسد جامعه امروز بیش از هر زمانی با این ایده همراهی می‌کند که افزایش دستمزد استادان دانشگاه برای توسعه کشور و زیست بهتر فرزندانمان ضرورت دارد.

دوشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۵
۲۸ محرم ۱۴۴۸
۱۳ جولای ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۴۲۵
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

روایت «شرق» از مسیر مبهم دیپلماسی و معادلات سیاست داخلی در سایه سومین دور تقابل ایران و آمریکا

هرمز؛ گره جنگ و دیپلماسی

گزارش تیریک را در صفحه ۲ بخوانید



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

یادداشت

نفی «نه جنگ، نه صلح»



سیدمصطفی‌هاشمی‌طبا

دست ما به آمریکا نمی‌رسد، ولی آمریکا چنانچه می‌بینیم با امکانات هوایی خود ما را بمباران کرده و امکانات مختلف کشور را نابود و مردم را شهید می‌کند. اینکه این نوع جنگ بتواند رفاه و آسایش برای مردم به ارمان آورد در هیچ عقل سلیمی نمی‌گنجد، مگر آنکه بگویم آمریکا آن‌قدر بمب به ایران بریزد تا تمام زرادخانه‌های آن تمام شود و ما مثل ققنوس از خاکستر برخاسته و آمریکا را تصرف کنیم و رفاه برای مردمی که از بمباران‌ها جان سالم به در برده‌اند، فراهم شود. دکتر جلیلی در همین سخنرانی از میان صلح و جنگ توصیه به جنگ می‌کند؛حال چگونه این جنگ می‌تواند رفاه و آسایش برای مردم به ارمان آورد، ایشان باید توضیح بدهند. اما مقاومت در برابر تجاوز با آنچه ایشان از جنگ می‌گویند متفاوت است، ما مجبور به مقاومت و نبرد متقابل در مقابل سلطه‌طلبی آمریکا و توسعه‌طلبی و نژادپرستی اسرائیل هستیم. شاهکار نتانیاهو آن بود که آمریکا را به تجاوز به ایران واداشت، اما این مقاومت نیز برای مردم رفاه و آسایش به ارمغان نمی‌آورد و باید تأکید شود با همین سبک زندگی کشور و با همین امکانات مردم، مقاومت نمی‌تواند در درازمدت وجود داشته باشد، بلکه باید همه عده و عده در راه مقاومت به

یادداشت

نفعی در تشدید تنش نیست



احسان هوشمند

روز گذشته و پس از حدود ۴۸ ساعت آرامش در منطقه، دوباره تنش‌ها در تنگه هرمز تشدید شد. استمرار وضعیت شبه‌جنگی بر آبراه راهبردی هرمز و ابهام درباره تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا نگرانی‌ها را در مورد احتمال آغاز دوباره جنگ افزایش داده است. فشار عناصر جنگ‌طلب هم در آمریکا و ایران تشدید شده و حصول نتیجه درباره تفاهم‌نامه موجود و حل‌وفصل مسائل میان دو کشور را به ابهام جدی رویه‌ور کرده است. اینکه طرف آمریکایی، یعنی کشور آغازگر حملات و جنگ، چه اهداف آشکار و نهانی را در جنگ اخیر تعقیب می‌کرد و برای رسیدن به این اهداف از چه ابزارهایی و به چه شکلی استفاده کرد و در ادامه ایران که مورد حمله آمریکا و اسرائیل قرار گرفته، از نظر نظامی و جنگی با دفاع از کشور به واکنش پرداخت و با میانجیگری پاکستان و قطر و برخی کشورهای منطقه زمینه برای آغاز فعالیت‌های دیپلماتیک فراهم شد. این مجموعه رویداد‌های مهم، موضوع این یادداشت نیست، بلکه یادداشت در بی طرح این نکته اساسی و کلیدی است که در میانه این تنش و جنگ چه چیزی مطابق با مصالح و منافع ملی است و برای حفظ و پیشبرد منافع ملی چه اولویتهایی را باید در نظر داشت.

نخست آنکه باید در نظر داشت در جنگ و حملات آمریکا و اسرائیل، هیچ‌یک از قدرت‌های نظامی اروپایی و ناتو حاضر نشدند در کنار آمریکا وارد جنگ با ایران شوند و تلاش‌ها و اقدامات و فشارهای ترامپ و دولت آمریکا نیز نتوانست کشورهای عضو ناتو مانند فرانسه، انگلستان و دیگر کشورها را درگیر نام و تمام در جنگ خلیج فارس کند. هرچند با وقوع جنگ و به دلیل توقف تردد کشتی‌های نفتی و تجاری، فشار اقتصادی قابل توجهی به کشورهای اروپایی و دیگر کشورها وارد شد، محدودیت عرضه نفت به افزایش تورم انجамید و هزینه‌هایی نیز برای این دست از کشورها به دنبال داشت.

دوم آنکه از نظر افکار عمومی در عرصه بین‌المللی، همدلی با ایران افزایش یافت و آمریکا و اسرائیل به‌عنوان آغازگر جنگ مورد انتقاد قرار گرفتند. فضای رسانه‌ای، فشار بی‌سابقه‌ای به آمریکا وارد کرد؛ به‌گونه‌ای که رئیس‌جمهور آمریکا به صراحت به فشارهای رسانه‌ای اشاره کرد. سوم آنکه در داخل کشور نیز پس از حوادث تلخ دی‌ماه ۱۴۰۴، فضای همدلی و انسجام شکل گرفت و کشورهای مهاجم امکانی برای یافتن همراهی در داخل کشور نیافتند. اگر با آغاز حملات، به‌ویژه

کار گرفته شود و مردم سبک زندگی متفاوتی را تجربه کنند. نتهن‌ها از اسراف بپرهیزند، بلکه زندگی ریاضت‌گونه‌ای داشته باشند. متأسفانه برخی مسئولان صرفاً برای آنکه مردم راضی شوند، در عین جنگ و هزینه‌های مترتب بر آن و محاصره و تحریم اقتصادی و عدم رابطه بانکی و تورم نزدیک به سه‌رقمی و حتی امکان تخریب راه‌های مواصلاتی زمینی، به مردم وعده رفاه و معیشت بهتر می‌دهند و این در دو دهه گذشته همچنان برقرار بوده است. اینک دکتر جلیلی به صراحت این تناقض را اعلام می‌کند؛ جنگ و در عین حال رفاه و معیشت بهتر و زندگانی مرفه‌تر. این تناقض از سوی چه کسی باید اصلاح و حقیقت به مردم گفته شود؟ این نوشته نه از باب مخالفت با مقاومت یا انتقام، بلکه از باب حقیقت‌گویی به مردم و آماده‌سازی آنان برای آینده است؛ وگرنه حکمرانی بیشتر به تدبیر وابسته است، نه به اصرار به جنگ و خوش‌بینی به صلح. البته ظاهراً برخلاف نقد لتمان که گفت ادب از که آموختی، از بی‌ادبان، ما از روش گفتار کثیف و بی‌محابای ترامپ تقلید می‌کنیم و علاوه بر شرحی که گذشت، می‌بینیم که آقای منوچهر متکی می‌فرماید باید به کشورهای عربی لشکرکشی زمینی کنیم و از آنجا غنایم به دست آوریم (با تأکید بر غنایم از پایگاه‌های آمریکا). ایشان که قبلاً وزیر خارجه احمدی‌نژاد بوده است، نمی‌داند که به‌جز کشور دوست، عراق، با هیچ کشور دیگری عربی مرز زمینی نداریم و نیاز به عملیات آبی- خاکی وسیع است. به‌علاوه آنها و آمریکا برگ چقدر که نیستند که ببریم و با غنایم برگردیم. حال فرض کنیم این کار را کردیم، غنایم را چگونه می‌آوریم و با آنها چه خواهیم کرد؟ چه کسی آنها را می‌خرد؟ اسیران را چه کنیم؟ مثل اسیران غیراسرائیلی در دست حماس می‌شود. فاعثرو یا اولی‌الایصار.

معمار سیاست‌های تهاجمی واشینگتن ناگهان در ۷۱ سالگی درگذشت

میراث متناقض لیندسی گراهام

۴

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از فعالیت برخی کانال‌های تلگرامی ناشناس که اقدام به انتشار عمومی اطلاعات شخصی دانشجویان می‌کنند

از افشاکری تاتهدید دانشجو

۵

سناتوری که خود را به ترامپ باخت

۴

نگاه

جنگ ویک پارادوکس بزرگ

یادداشتی از سعید نبی، مستندساز

با سیستم ارجاع چه باید کرد؟

یادداشتی از بابک زمانی

۸

جام ۲۰۲۶

آرژانتین در جمع بزرگان قاره سبز

اروپا دوباره فرمانروای فوتبال می‌شود؟

۶

یادداشت

ما و وطن



مراد راهداری

دکترای اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه

وطن‌خواهی نتهن‌ها در برابر دین و ارزش‌های قرآنی قرار ندارد، بلکه از نظر حق تعالی چنان اهمیت دارد که در آیه ۸ سوره ممتحنه فرموده است: «با کفاری که با شما بر سر دین نجنبیده و شما را از وطن بیرون نکرده‌اند، به عدالت رفتار کنید». در این آیه، دین و وطن در کنار هم پاس داشته شده‌اند. پس چرا گاهی از سوی برخی، در پاسداشت وطن ابهام پدید می‌آید؟ چند روز پیش یکی از دانشجویان سابقم را که اکنون در کارخانه‌ای مشغول به کار است، دیدم. احوالش را پرسیدم و گفت: با اینکه شب‌ها مقیم در میدان حمایت از وطن حاضر شوم، دو ابهام فکری دارم. پرسیدم چه هستند؟ گفت: چگونه می‌توان وطنی را دوست داشت که در آن نتوانم حتی چند متر مسکن برای زندگی داشته باشم یا هزینه زندگی چنان بالا باشد که ازدواج را ناممکن کند؟ چگونه در این وطن آسوده‌خاطر بمانم که نه می‌توانم مادرم را در بیمارستان دلخواه درمان کنم و نه حتی فرزند برادرم را در هزینه تحصیل یاری دهم، چه رسد به اینکه بعدها از فرزند خودم حمایت کنم؟ با این حال، این وطن عشق من است؛ هرجا بروم، غریبم و در غربتم و نمی‌توانم به جایی جز آن دل ببندم. به‌عنوان معلم اقتصاد، واقعاً شرمندۀ شدم، سپس از برادرش گفت که در طول ماه، بیشتر بیکار است، کار کمی دارد، به‌سختی بخش خصوصی او را به کار می‌گیرد، حداقل حقوق را می‌گیرد و دائم در مضیقه است.

(نویت اول)

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای با عنوان " واکزاری امور ترابری درون شهری و برون شهری سازمان غذا و دارو " سال ۱۴۰۵

شناسه آگهی:۲۲۲۲۹۵۰ م الف ۱۱۰۵ رجوع به صفحه ۲

۵

ادامه در صفحه